

قانون مجازات عمومی

و اما اگر گذشت مزبور پس از صدور حکم قطعی و لازم الاجرا پیش آید؟

در این صورت اگر قانون صریحاً اجرای حکم را موقوف کرده باشد آثار آنهم بکلی از بین میرود چنانچه قسمت اخیر ماده ۲۱۴ در مورد ترك انفاق و خودداری از طلاق مؤید این قسمت است که گوید: «... در صورت استرداد شکایت... تعقیب یا اجرای حکم موقوف میشود...»

بدیهی است وقتیکه آثار اصلیه حکمی از بین رفت آثار تبعی آن نیز مطیع آن خواهد بود.

۴ - منع تعقیب شخص در اثر اقدام خود او

گاه ممکن است جرمی واقع و از هر حیث قابل تعقیب و مجازات است لکن قانونگذار از نظر مصالح عمومی و تشویق اشخاص به پشیمانی و ترك عمل خود هم چنین برای آسان کردن وسایل کشف در صورتیکه شخص مرتکب عمل خود را تمام نکرده رها کند یا مقامات مربوطه را از وقوع آن مطلع و یا وسایل دستگیری مجرمین دیگر را تسهیل کند و با موجبات افشاء جرم را فراهم سازد وی از تعقیب یا مجازات معاف میشود مثل مورد ماده ۱۴۷ (جزء ۱۳) که اگر راشی بواسطه اقرار خود موجبات تسهیل برای تعقیب مرتشی را فراهم کرد بنا به پیشنهاد وزیر عدلیه و تصویب هیئت وزراء از «تعقیب» معاف خواهد شد و یا ماده ۱۶ متمم قانون جزای عمال دولت (جزء ۱۴) که بموجب آن هر شریک اختلاسی که قبل از تعقیب بیار که دیوان جزا از وقوع اختلاس اطلاع داده و بواسطه اقرار خود موجبات تسهیل تعقیب شرکاء خود را فراهم نماید شخصاً از «تعقیب جزائی» معاف خواهد شد

مثل ماده ۵ قانون راجع بانتقال (۱) مال غیر پس بطور کلی در اعمالی که در درجه اول با منافع فردی مواجه بوده و انجام و ارتکاب آنها سبب صدمه بشخص معینی است گذشت شخص مزبور بکلی مانع تعقیب و مجازات مرتکب است بهمین جهة میتوان گذشت مزبور را بهمو خصوصی تعبیر و در مقابل عفو مقام اول کشور و عفو عمومی فصل مخصوصی برای آن در مواع مجازات قائل شد.

این نکته را نیز تذکر دهیم که از جمله موارد گذشت مدعی خصوصی که در ماده ۲۷۷ اشاره نشده (بعلت تأخر آنها بر قانون مجازات) حالات مربوطه به ثبت یا انتقال ملک غیر است که در قانون ثبت اسناد مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ و قانون انتقال مال غیر مصوبه فروردین ماه ۱۳۰۸ مشروحاً ذکر شده است.

در آثار عفو یا گذشت مدعی خصوصی

گذشت مزبور اگر پیش از تعقیب یا پس از آن ولی قبل از منتهی شدن امر بحکم قطعی لازم الاجرا باشد بکلی موجب منع تعقیب جزائی شخص بوده و در اینصورت قوه قضائیه هم نمیتواند جرم را دنبال و مجرم را تحت بازجوئی و بازپرس قرار دهد - چه در این حالات چنانچه گفته شد قانونگذار نفع شخصی را در درجه اول اهمیت و قبل از مصالح عمومی قرار داده و بنا بر این موجبی برای تعقیب عملی که آسیب دیده را اصلحت در بخشش آنست نخواهد بود.

(۱) ماده ۵ نسبت بانتقالاتیکه قبل از اجرای این قانون (فروردین ۱۳۰۸) واقع شده تعقیب جزائی مرتکب منوط بشکایت مدعی خصوصی است لیکن پس از شکایت استرداد آن مانع از تعقیب نخواهد بود.

و یا مواد ۷۷ (۱) و ۷۸ و ۹۶ قانون مجازات که اگر شرکاء و معاونین در جرائم مربوطه پیشیمان و تسلیم قانون شدند یا وسیله کشف یا سبب تسهیل آن گردند از «مجازات» معاف میشوند.

۳- تعلیق مجازات

از اواسط قرن نوزدهم (میلادی) و همان‌اوانیکه جنبه اصلاح و تربیت مجرم مقام مخصوصی در مجازات پیدا کرد يك موضوع مهم دیگری نیز با این فکر پدید آمد و آن مسئله خطرناك بودن مجازاتهای کوتاه یا کم اهمیت در نزد بعضی از مجرمین و نتیجه معکوس دادن آنها هم‌چنین پیدا کردن راه‌چاره برای رفع این عیب و تأمین منظر رفوق بود. مثلاً بتجربه دیده شد که بعضی اشخاص درعین اینکه مرتکب جرمی میشدند با در نظر گرفتن وضعیت روحی آنها «که مردم بی ادبیت و تربیت شده یا قابل تربیتی بوده» و نحوه وقوع جرم «از روی اکتیو یا اقوای تحریک احساسات

۱- ماده ۷۷ هرکس داخل دستجات مفسدین بوده بدون اینکه در آن دستجات ریاست یا شلته ئی داشته باشد و بمجرد اخطار قوای کشوری یا نظامی از دستجات مزبوره خارج شود و یا اینکه بعد از اخطار حکومت در خارج از محل اجتماع مفسدین بدون مقاومت تسلیم شود مجازات مفسدین را نخواهد داشت و فقط اگر شخصاً مرتکب جرم دیگری شده باشد مجازات آن جرم باو داده میشود.

ماده ۷۸- هرکس داخل دستجات مفسدین و یا اشخاصیکه برضد امنیت خارجی با داخلی مملکت اقدام میکنند بوده و قبل از تعقیب مأمورین دولتی بدولت و یا مأمورین کشوری یا نظامی یا ضابطین عدلیه از قصد جنائی و اسامی اشخاصی که در فتنه و فساد دخیل بوده ابد اطلاع بدهد از مجازات معاف خواهد بود.

ماده ۹۶- اشخاصیکه مرتکب جرائم مذکوره در مواد ۹۴ و ۹۵ میشوند «ساختن یا استعمال سکه قلب» هرگاه قبل از تعقیب مراتب رابدوات اطلاع داده یا بعد از شروع به تعقیب وسایل دستگیری مقصرین را فراهم کنند از «مجازات» معاف خواهند شد.

و خشم و غضب» و اتفاقی بودن عمل و امثال آنها قاضی ماهوی خود را اخلاقاً موظف برعایت تخفیف در باره آنها می دید.

از طرف دیگر بعضی از اشخاص بدون اینکه مستحق تخفیف و ارفاق باشند نوع عملشان طوری است که مستلزم مجازات کوتاه بوده و در هر دو حالت مطالعات عمیق و مراجعه بآمار جزائی از طرف بعضی از دانشمندان واضح ساخت که اثرات مجازات در نزد بیشتر این قبیل محکومین نتیجه معکوس داده یعنی مجرمین مبتدی و آنها که اتفاقاً در آغاز زندگی و همان مرحله که سلولهای ده غی شخص برای هر گونه تربیتی آماده است محکوم بمجازات و زندانی میشوند بر اثر هم نشینی با سایرین خاصه مجرمین عادی و خطرناك بزودی با آنها خو گرفته و احساسات و تربیت آنها را اقتباس و بجای تنبه، پشیمانی و اصلاح که بزرگترین منظور در اعمال مجازات است گستاخی و تجری و بلکه فساد اخلاق در دماغ او جای می گرفت بطوریکه زندان برای این اشخاص خاصه با مدت کم محکومیت آنها که کافی برای تربیتشان نیست مصداق واقعی خود را که آموز شگاه اصلاح و تربیت و ترغیب و ندامت شخص است از دست داده بیکنوع پرورشگاه مجرمین جنایت کاران تبدیل میگردد. در مقام تجربه و عمل هم آمار جزئی نشان میداد که هفتاد درصد این قبیل محکومین بشرح فرق تغییر ماهیت داده بلکه پانزده درصد بقیه هم که از اشخاص عادی و منزله بوده و اتفاقاً مرتکب عمل خلافی شده اند در نتیجه محکومیت بقدری ملول و افسرده گشته که با از زندگی مأیوس و بان خاتمه دادند و یا بکلی زندان در آنها تأثیر مخالف نموده وقتی لکه محکومیت بر آنها چسبیده و در جامعه موهون شدند دیگر به بقیه ویستی تن داده بک نوع جنون اخلاقی در آنها ایجاد استعداد تربیت و با تربیت قبلی رازك و فقط در پانزده الی بیست درصد از کل مجرمین فوق مجازات تأثیر کرده است.